

نقد و بررسی

مسیحیان قدس در بایگانیهای عثمانی

الدكتور أحمد حامد إبراهيم القضاة، نصارى القدس:
دراسة في ضوء الوثائق العثمانية، بيروت: مركز
دراسات الوحدة العربية، ط ۱، ۲۰۰۷

یدالله ملایری

هم زیستی صلح آمیز در همه جای
گیتی، آرزویی نیکو و آرمانی انسانی است و
در فرهنگ اسلامی نیز با گفته سالار
پارسیان علی (ع) در پیمان نامه مشهور خود
به مالک اشتر، نیک می خواند که بر خورد
انسانی - و نه ددسان - با همه مردم را با
بهانه «برادری دینی» یا «همتایی آفرینشی»
خواسته است. هم زیستی مسالمت آمیز در
جاهایی که قبله گاه انسانهای زیادی با
رنگها، باورها، زبانها و خاستگاههای
گونگون است، اهمیتی دوچندان می یابد.
سپند شهر قدس، مهم ترین و شاید تنها جای
این کره خاکی است که نگاه بیشتر مردم
جهان را در درازنای تاریخ به سوی خود

کشانده و دلهای آنان را شیفته خود
کرده است. این شهر برای پیروان آیینهای
توحیدی جهان به ویژه اسلام، مسیحیت و
یهود، شهری مقدس و دلخواه است؛ از همین
رو این شهر در درازنای تاریخ بارانداز موقت یا
همیشگی بسیاری از شیفتگانی بوده است که
از سراسر جهان برای «پرستش» و «آمزش»
به سوی کرانه خاوری مدیترانه روانه
گشته اند. چنین وضعیتی، آمیزه ای از
مردمانی با نژادها و باورهای دینی گوناگون
در قدس پدید آورده است که شناخت درست
آنان، پایه ای بایسته برای برداشت منطقی از
وضعیت این شهر «جهانی» و «پیچیده» است.

کتاب مسیحیان قدس در بایگانیهای
عثمانی نوشته دکتر ابراهیم حامد ابراهیم
القضاة نویسنده اردنی، گامی است در راه
شناخت ژرف رنگهایی که رنگین کمان قدس
را در سده نوزدهم میلادی ساخته اند. این
کتاب گرچه داستان گذشته را می کاود، ولی
کدام گذشته که امروز ما را فرودست تاثیر
خوبش قرار نداده و در کمین آینده مان
ننشسته باشد؟ این کتاب وضعیتی را در
گذشته بر می رسد که می تواند مایه پند
آموزی درباره اکنون و آینده شهر جهانی و
چند فرهنگی قدس باشد؛ البته اگر اقدامات
اسرائیل با چاشنی تندروی دینی آمیخته به
ترندهای سیاسی صهیونیستها، یهودی و
مسیحی آینده ای برای این شهر سپندینه

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

باقی بگذارد. مسیحیان قدس در بایگانیهای عثمانی شصت و هفتمین شماره از مجموعه کتابهایی است که «مرکز پژوهشهای وحدت عربی» (مرکز دراسات الوحدة العربية) با نام «سری پایان نامه‌های دکتری» (سلسله اطروحات الدكتوراه) چاپ می‌کند. این رشته از کتابها چنان که از نامشان بر می‌آید، آن دسته از پایان نامه‌های دکتری است که ناشر آنها را برای چاپ در قالب کتاب برگزیده است.

درباره ارزش کتاب، ناشر مطلبی از پیش گفتار نویسنده برای یادداشت پشت جلد برگزیده است که خواندن بخشی از آن، ما را در شناخت کتاب یاری می‌کند: «این نخستین باری است که پژوهشگری وضعیت کلی مسیحیان قدس در سده نوزدهم میلادی را می‌کاود. مایه بنیادین کتاب، داده‌های به دست آمده از پرونده‌های دادگاه قانونی قدس در روزگار عثمانیان است. اطلاعات به دست آمده از این پرونده‌ها بسیار ارزنده و در نوع خود بی‌همتاست. این اطلاعات از منابع کلاسیک به دست نمی‌آید.»

مسیحیان قدس در بایگانیهای عثمانی که چاپ نخست آن در سپتامبر ۲۰۰۷ انتشار یافته، شامل پیشگفتار، درآمد، چهار فصل و نتیجه‌گیری است. افزون بر این چارچوب کلی، آنچه بر ارزش پژوهشی

کتاب می‌افزاید و به خواننده در یافتن سر رشته کار کمک می‌کند، سیاهه جدولهای کتاب، ضمیمه‌های شش‌گانه پایان کتاب و «چکیده‌ای کاربردی» است از آنچه در این کتاب ۵۷۶ صفحه‌ای آمده است.

در پیش‌گفتار کتاب، پس از اشاره به دو فرمان اصلاحات در سده نوزدهم از سوی دربار عثمانی؛ یعنی «خط شریف گلخانه» و «خط تنظیمات خیریه» که از درون مایه‌های بنیادین آنها «برابری رعایای سلطان در حقوق ووظایف» بود، هدف پژوهش یافتن پاسخ در خور برای پرسشهایی درباره مهم‌ترین فرقه‌های مسیحی قدس، وضعیت اجتماعی و اقتصادی این فرقه‌ها، روابط این فرقه‌ها با هم و مسلمانان و رفتار دولت عثمانی با مسیحیان اعلام شده است. پژوهشگر در این بخش از کتاب درباره روش پژوهش خویش می‌نویسد: «روشی را برگزیدم که به عینیت‌گرایی پایبند باشد و بر سازمابه بنیادین تاریخ یعنی انسان انگشت بگذارد. برای این کار، مسیحیانی را که دارای پستهای دینی و اداری یا املاک یا پیشه و صنعتی بوده‌اند، مد نظر قرار داده‌ام.»

نویسنده پیش از پرداختن به فصلهای پژوهش، درآمدی به نام «آیین فرقه» می‌آورد و در آن به مفهوم «فرقه» - که در متن تازی کتاب با عنوان «الملة» یا «الطائفة» آمده - می‌پردازد و با استفاده از منابع تاریخ عثمانی

آن را چنین می‌شناساند: «گروهی دینی از مردم که جدا از نژاد، زبان و قومیت، ریسمان مذهبی بیگانه‌ای آنان را به رشته می‌کشد. افراد هر فرقه، پیرو رهبری معنوی هستند که خود بر می‌گزینندش، ولی تأیید این انتخاب از اختیارات سلطان است.» در پی این تعریف، نویسنده به «آیین فرقه» در سال ۱۴۵۴ میلادی اشاره می‌کند که در زمان سلطان محمد فاتح و بر بنیاد مذهب حنفی استوار گشته و بر پایه آن، به همه فرقه‌ها آزادی دینی داده شده است؛ مشروط بر اینکه آزادی آنها با شریعت اسلامی سازگار باشد.

در فصل نخست، نویسنده با استفاده از منابعی چون سفرنامه‌ها، گزارشهای کنسولگریها و آمارهای رسمی دولت عثمانی به وضعیت هریک از فرقه‌های مسیحی ساکن قدس در سده نوزدهم می‌پردازد. او با بهره‌گیری از منابع پیش گفته، به این نتیجه می‌رسد که یک سوم مردم قدس مسیحی بوده‌اند و بیشتر آنان در قالب فرقه‌های زیر می‌گنجدند:

۱. ارتدوکس‌های یونانی: به گفته کتاب، پیروان کلیسای ارتدوکس یونانی، اکثریت مسیحیان قدس در سده نوزدهم بوده و با حمایت دولت عثمانی بر بیشتر اماکن مقدس قدس و پیرامون آن کنترل داشته‌اند.

۲. فرقه کاتولیک‌های رم: این فرقه در سال ۱۷۲۴ از فرقه ارتدوکس یونانی جدا شده است. کلیسای ارتدوکس یونانی - چنان که کتاب می‌گوید - با هم‌دستی دولت عثمانی در آغاز ستمهای فراوانی بر این فرقه نوبنیاد کرده، ولی با پادرمیانی فرانسه و اتریش، سلطان محمود دوم در ۲۴ مارس ۱۸۳۳ آن را به رسمیت شناخته است.

۳. ارمنی‌ها: ارمنی‌ها از مناطق کردنشین و حلب به قدس آمدند و در این شهر ساکن شدند. نویسنده این فرقه را میانه‌روترین و ثروتمندترین فرقه‌های مسیحی شمرده است و می‌نویسد دولت عثمانی در سال ۱۴۶۱ آنان را به رسمیت شناخته است. کلیسای ارمنی قدس در کنار ارمنی‌ها، «دیگر رعایای مسیحی به رسمیت شناخته» مانند سریانی‌ها، حبشی‌ها و قبطی‌ها را زیر چتر حمایت خود گرفته بوده است.

۴. فرقه لاتین: به گفته کتاب، پس از بیرون راندن صلیبی‌ها از قدس در سال ۱۲۹۱ میلادی، گروهی از پیروان کلیسای لاتین در شامات مانده‌اند. این فرقه تا میانه‌های سده نوزدهم از داشتن سراسقف در قدس محروم بودند. نویسنده فتح شامات و فلسطین به دست محمد علی پاشا، خدیو مصر، در سال ۱۸۳۱ و «دادن آزادیهای دینی» از سوی او را از عوامل بنیادین

دستیابی کلیسای لاتین به مقام سراسقفی در قدس می‌داند. این کامیابی کلیسای لاتین به دل دیگر کلیساهای قدس ننشسته و کلیسای ارتدوکس که توانسته بوده شماری از لاتینی‌ها را به سوی خود جذب کند، مخالفت سرسختانه‌ای با قدرت‌گیری دوباره فرقه لاتین از خود نشان داده است.

۵. قبطیان: چنان که شیوه نویسنده در کاوش اسناد تاریخی مربوط به سده نوزدهم و پیشتر درباره فرقه‌های گوناگون مسیحی در قدس است، این بار نیز اطلاعات ارزشمندی درباره پانهادن قبطیان به قدس و روند تحول حضورشان در این شهر می‌دهد: «نخستین گروه قبطی در میانه سده چهارم میلادی از مصر به قدس آمدند. آنان برای شرکت در آیین گشایش کلیسای قیامت که شه بانو هیلانه آن را در سال ۳۳۵ میلادی ساخت، به قدس آمدند.»

۶. حبشیان: این دسته از مسیحیان، هم‌زمان با قبطیان برای گشایش کلیسای قیامت به قدس آمدند. به گفته نویسنده، آنان به کلیسای ارتدوکس شرقی وابسته بودند و از سراسقف قبطیان پیروی می‌کردند. در آغاز سده نوزدهم شمار حبشیان در نتیجه طاعون سال ۱۸۳۷ تنها به ۲۰ نفر می‌رسید، ولی در پایان سده نوزدهم در روزگار ریاست «جریس افندی» بر حبشیان قدس و کمکه‌های «نجاشی یوحنا» پادشاه

حبشه، اوضاع آنها رو به سامان نهاد.

۷. سریانی‌ها: به گفته نویسنده، سریانی‌ها در سال ۱۶۶۲ میلادی به دو گروه ارتدوکس و کاتولیک تقسیم شده‌اند. کاتولیک‌ها در آغاز ضعیف شده و در سال ۱۷۸۲ دوباره قدرت گرفته‌اند. تا سال ۱۸۴۵ کلیسای کاتولیک سریانی تابع کلیسای ارتدوکس سریانی مانده است، ولی در این سال از آن جدا شده است. ویژگی بارز سریانی‌ها - به گفته کتاب - روابط خوبشان با دیگر فرقه‌ها بوده است.

۸. فرقه پروتستان: کتاب آغاز پیدایش این فرقه را در قدس سال ۱۸۲۰ یعنی زمان آغاز فرایند تبشیر پروتستانی در این شهر می‌داند و می‌گوید که دولت عثمانی و دیگر فرقه‌های مسیحی دست به سنگ‌اندازی بر سر راه فعالیت پروتستان زده‌اند و این رنج پروتستان‌ها تا آغاز دهه ۳۰ سده نوزدهم، زمان حکومت محمد علی پاشا بر شامات ادامه داشته است. نویسنده سال ۱۸۴۱ را آغاز پیدایش راستین پروتستان در قدس شمرده است.

۹. مارونیان: واژه مارونی از نام «مار مارون» کشیشی که در سال ۴۱۰ میلادی در افامیای سوریه زاده شد، گرفته شده است. پیروان مار مارون دیری را برای نکوداشت یادش در کرانه رود العاصی می‌سازند و این دیر هسته آغازین کلیسای مارونی می‌شود.

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

به گفته کتاب، پس از آشوبهای سال ۱۸۶۰ میلادی در لبنان، شماری از مارونیان در جستجوی آرامش و امنیت به قدس آمده‌اند.

در فصل دوم کتاب که «زندگی اجتماعی» نام گرفته، نویسنده به داستان «احوال شخصی»، «زن‌اشویی»، «خانواده»، «جایگاه زن»، «پوشاک»، «برده داری»، «مناطق سکونت»، «خانه» و «خوراک و نوشاک» مسیحیان قدس پرداخته است. نویسنده درباره احوال شخصی مسیحیان قدس، می‌نویسد که فرقه‌های مسیحی قدس تا پیش از صدور فرمان «خط تنظیمات خیریه» بر پایه «آیین فرقه‌ها» در کارهای مدنی و دینی خویش، خودگردان بوده‌اند و کلیساها همه کاره، ولی فرمان‌یادشده با بیرون بردن امور جنایی و مدنی از چنبره قدرت کلیسا از قدرت کشیشان کاسته است. همین امر به تنشهایی میان دولت عثمانی و کلیساهایی انجامیده است که سخت در پی بازستاندن امتیازات از دست رفته خویش بوده‌اند.

در گفتار «زن‌اشویی» با مسایلی مانند خواستگاری، کابین عروس، عروسی و طلاق در میان فرقه‌های مسیحی قدس آشنا می‌شویم. این بخش از کتاب درباره خانواده، شمار فرزندان خانواده‌ها و اینکه آیا پدر خانواده پس از مرگ زن اول، ازدواج

می‌کرده یا نه، آمارهای جالبی به دست می‌دهد. گفتنی است دادن آمارهای ریز که در بسیاری از جاهای کتاب با بردن نام بسیاری از مسیحیان قدس همراه است، روشی است که نویسنده در بیشتر جاهای کتاب به آن پایبند بوده است و همین کار ارزشی آماری به پژوهش داده که بی‌شک بر ارزش پژوهشی آن نیز می‌افزاید. درباره جایگاه زن مسیحی قدس، در کتاب می‌خوانیم: زن فرودست پدر و برادرانش بوده و چون به خانه شوهر می‌رفته، زندگی و آزادیش به یکی از اتاقهای خانواده شوهر فروکاسته می‌شده است. زن مسیحی با هر جایگاه و منزلتی، باید کارهای خانه را انجام می‌داده و حتی اگر به مدرسه می‌رفته، برای نیک‌آموختن همان کارها بوده است. به گفته کتاب، زن مسیحی از حق ارث برخوردار بوده، نمی‌گذاشته برادرانش در سهم ارثش دست ببرند، می‌توانسته با وکالت دست به خرید و فروش بزند و چونان وکیل و دادخواه به دادگاه رود. با این حال، او از ارث وقف خاص بی‌بهره بوده است. زنان مسیحی با القابی که نشان از جایگاه آنان داشته، مورد خطاب قرار می‌گرفته‌اند؛ برای نمونه «هیلا نه دخت خواجه یوسف دمیان لاتینی»، «فخر نساء» و «مریام دختر مهنای رومی ذمی»، «ذمیه» خوانده می‌شده است.

از آنچه درباره پوشاک مسیحیان

قدس در کتاب آمده، در می‌یابیم که دست سیاست در تعیین رنگ و کیفیت آن بسیار باز بوده است. سخت‌گیری در این باره به شرایط داخلی و خارجی دولت عثمانی بستگی داشته است. برای نمونه، به هنگام شورش ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۹ یونان، والی شام فرمان زیر را به حاکم قدس ابلاغ کرد: «می‌دانید مسیحیان پا از گلیم خود فراتر می‌نهند و از مسلمانان در پوشیدن عمامه، کفش و رخت تقلید می‌کنند. این با رضایت ما سازگار نیست و این اجازه را به مردان و زنانشان نمی‌دهیم. صدور این فرمان برای آن است تا آنان را هشدار دهید و از فرجام کار بترسانید. باید جامه هایشان آبی، کفش‌هایشان عنابی و شلوارشان کبود باشد. نگذارید در گرمابه با مسلمانان درآمیزند؛ نه زن، نه مرد.» این گونه فشارها در زمان سلطان محمود دوم کم می‌شود تا اینکه با آغاز حکومت محمد علی پاشا در سال ۱۸۳۱ و صدور فرمان «تنظیمات» سلطان عبدالمجید در سال ۱۸۳۹ و «خط تنظیمات خیریه»، لباس مسلمانان و مسیحیان یکسان می‌گردد. تحولات سیاسی یادشده، در زمینه «برده‌داری» نیز حقوق برابری را برای مسیحیان فراهم کرد. به این ترتیب، آنان که در آغاز از داشتن کنیز و برده محروم بودند، با آغاز فرمانروایی محمد علی پاشا بر شامات و آغاز اصلاحات عثمانی توانستند به این حق

به گونه‌ای برابر با مسلمانان برسند.

در زمینه «مناطق سکونت مسیحیان» در قدس، نویسنده چنان که روش وی، دادن آمارهای دقیق همراه با نام بردن از افراد و مناطق است، به چگونگی پیدایش و نام‌گذاری محله‌های قدس و میزان آمیختگی یا جدایی محله‌های مسیحی نشین با دیگر محله‌های این شهر می‌پردازد و درباره ویژگی خانه‌های مسیحیان، بازتاب دارایی و نداری در نمای بیرونی خانه‌ها، شیوه مالکیت خانه، امنیت و نشانی خانه‌ها، و اثاث و مصالح خانه نکات ریز و مستندی را با استفاده از پرونده‌های «دادگاه قانونی قدس» - مهم‌ترین منبع پژوهشی نویسنده در سراسر کتاب - ارایه می‌دهد.

فصل سوم کتاب «نقش مسیحیان در مدیریت و آموزش» نام دارد. نویسنده در این فصل به دستگاه اداری و قضایی عثمانی و میزان حضور مسیحیان در این دو دستگاه و همچنین به سیستم آموزشی عثمانی و فعالیتهای آموزشی مسیحیان در قدس و دیگر مناطق مسیحی نشین قلمرو عثمانی پرداخته است. نویسنده اطلاعات تاریخی گران سنگی را از دل اسناد دوره عثمانی بیرون می‌کشد و ما را با چگونگی و تاریخ تاسیس «مجلس شورا»، «شورای اداری استان قدس» و «شهرداری قدس» و شیوه عضویت در آنها، دامنه اختیارات و شمار

اعضای مسیحی شان آشنا می کند. نویسنده درباره شیوه گزینش و دامنه اختیارات «کدخدا» و «شورای ده» مطالب ارزشمندی می آورد. او همچنین از مسیحیانی نام می برد که به فضل ارتباط با کشورهای دیگر زبانهای خارجی آموخته اند و به کار مترجمی در دستگاههای دولتی عثمانی پرداخته اند.

نویسنده در ادامه این فصل، به دستگاه اقتصادی عثمانیان و نقش مسیحیان قدس در اداره این دستگاه اشاره می کند و از مسیحیانی که «صراف»، «منشی»، «گمرکچی» و «مدیر بانک عثمانی» بوده اند، نام می برد. درباره مشارکت مسیحیان قدس در اداره دستگاه قضایی عثمانی نیز نویسنده ضمن آشنا کردن خواننده با «شوراهای دادخواست استان قدس»، «دادگاه بدوی» و «دادگاه تجاری» از آن دسته از مسیحیانی که کارگزار این دستگاه بوده اند، نام می برد.

بخش پایانی فصل سوم درباره وضعیت آموزشی مسیحیان قدس است. در این بخش به «لوائح تنظیمی»، «آموزش در دیرها و کلیساها» و «مدارس فرقه‌ها» پرداخته شده است. لوائح تنظیمی، قوانینی است که در پی افزایش دخالت بیگانگان - به ویژه غریبان - در امور داخلی عثمانی تصویب شد تا از مداخله آنان در امور آموزشی

فرقه‌های مسیحیت جلوگیری کند. از خلال سخن نویسنده در مورد آموزش در دیرها و کلیساها با شیوه آموزش، معلمان، مواد آموزشی و سطح آموزش در این مکانها آشنا می شویم. درباره مدارس نیز کتاب ضمن اشاره به این نکته که هر فرقه بنیاد و شیوه آموزشی ویژه خود را داشته، به مدارس این فرقه‌ها و نیز مدرسی که از سوی کشورهای اروپایی مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و آمریکا در قدس راه اندازی و حمایت شده، می پردازد.

فصل چهارم کتاب با نام «حیات اقتصادی» به کشاورزی، راههای مالک شدن زمین، ثروت دامی، پیشه‌ها، بازرگانی، املاک و مستغلات، مالیات و داد و ستد وام مسیحیان قدس می پردازد. از نکات برجسته و چشمگیر این فصل، پرداختن به دو مرحله «خرید و فروش زمین» از سوی مسیحیان قدس است. در مرحله نخست که در فاصله سالهای ۱۸۲۱ تا ۱۸۷۰ بوده، مسیحیان زمینهایی را با مسلمانان داد و ستد می کرده اند. در مرحله دوم - به گفته کتاب - مسیحیان بی آنکه از نقشه‌های استعماری یهودیان آگاه باشند، در فاصله سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۰ زمینهایی را با «بهایی بالا» به آنان فروخته اند. در این فصل همچنین از انواع مالیاتهایی که دولت عثمانی برگردن مسیحیان می گذاشته، مانند «جزیه»، «غفر»،

«عادت»، «لباس نظامی»، «مسقفات»، «ویرکو»، «معارف»، «بردگی»، و «درآمد سالانه» سخن به میان می‌آورد.

فصل پنجم «حیات دینی» نام گرفته است. در این فصل، نویسنده از وضعیت دینی مسیحیان قدس و به طور کلی مسیحیان قلمرو امپراتوری عثمانی سخن می‌گوید. نویسنده این کار را در قالب ۱۰ محور پیش می‌برد. در محور یکم با نام «موضع دولت عثمانی در قبال تبلیغ مسیحیت» به فعالیتهای تبلیغی فرقه‌های مختلف مسیحی می‌پردازد و موضع دولت عثمانی را در قبال تغییر مذهب مسیحیان و پیوستن آنها از کلیسایی به کلیسای دیگر را بررسی می‌کند، و بیان می‌دارد که چگونه دولت عثمانی سخت‌گیریهایی را تا سال ۱۸۵۶ یعنی تا زمان آغاز برنامه «خط تنظیمات خیریه» در این زمینه در حق مسیحیان اعمال می‌کرده، ولی از این سال به بعد درباره «چند شاخه شدن یک مذهب و پیوستن از مذهبی به مذهب دیگر» آسان‌گیری شده است. در مبحث «ورود مسیحیان به دین اسلام»، نویسنده از اسلام آوردن برخی از پیروان آیین مسیح و کشمکشهایی که به هنگام تغییر دین یک فرد در یک خانواده ایجاد می‌کند، سخن گفته و نمونه‌هایی آورده است. درباره «کلیساها و دیرها» کتاب به سخت‌گیری عثمانی‌ها

درباره ساختن، نوسازی و بازسازی کلیساها اشاره کرده و گفته است که این سخت‌گیریها پس از آتش‌سوزی کلیسای قیامت در سال ۱۸۰۸ کم‌رنگ‌تر شده است و از این به بعد فرمان صدور اجازه ساخت و بازسازی برخی کلیساها داده شده است. در مبحث «سازماندهی داخلی کلیساها» کتاب به پستهای دینی، مالی و اداری کلیساها اشاره کرده است. نویسنده در این مبحث همچنین از کلیساهایی نام برده که آیینهای دینی در آنها برگزار می‌شده، و گفته است که چگونه برخی آسان‌گیریهای حکومت مایه شکوفایی کلیساها در شهر قدس شده است. در مبحث «اوقاف» از چگونگی، شرایط، انواع و دامنه وقف در میان مسیحیان قدس سخن رفته است. در مبحث «زیارت اماکن دینی» به زیارت گاههای شهر قدس، حج مسیحیان، شیوه برگزاری آیین حج مسیحی و شیوه برخورد حکومت عثمانی با برپایی این آیین پرداخته است. در دو مبحث «گورستانها» و «آیین سوگواری» نویسنده از گورستانهای مسیحیان در قدس و آیین خاک‌سپاری مردگان سخن گفته است. در واپسین مبحث این فصل، نگارنده درباره «جشنهای آیینی» مسیحیان قدس مانند عید پاک و عید میلاد و مکانهای برگزاری آنها نکات ارزنده‌ای ارائه کرده است.

فصل پایانی که شاید بتوان آن را

مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش کتاب دانست، به رابطه «دولت عثمانی با مسیحیان قدس» می‌پردازد. نویسنده برای این کار سه محور «موضع حکومت عثمانی در قبال فرقه‌های مسیحیت»، «رابطه فرقه‌های مسیحی با یکدیگر»، و «روابط مسیحیان و مسلمانان» را پیش می‌کشد. در محور نخست، رفتار دولت عثمانی با مسیحیان به سه مرحله زمانی تقسیم می‌شود. مرحله نخست که سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۳۱ میلادی را در بر می‌گیرد، دوره‌ای است که در آن دولت عثمانی در پی پیاده کردن پیمانها و شرایطی بوده است که این دولت به گردن مسیحیان فرودستش گذاشته است و براساس آنها مسیحیان در صورت پرداخت جزیه از امنیت و حمایت برخوردار می‌شدند. در این دوره مسیحیان محدودیتهای زیادی داشتند. مرحله دوم «روزگار حکومت مصریان» بر شامات یعنی فاصله سالهای ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۹ را شامل می‌شود که طی آن «محمد علی پاشا» برای به دست آوردن دل کشورهای اروپایی افزون بر ابلاغ این امر به کنسول گریهای این کشورها در خصوص در نظر گرفتن منافع آنها در قدس، آسان گیریهای بسیاری با مسیحیان نشان داده است. مرحله سوم؛ یعنی از سال ۱۸۳۹ تا ۱۹۰۰ مرحله‌ای است که شاهد صدور دو فرمان اصلاحی مهم یعنی «خط شریف

گلخانه» و «خط تنظیمات خیریه» بوده است. این دو فرمان که با هدف نوسازی ساختار اجتماعی-سیاسی دولت عثمانی و گسترش برابری و دادگری صادر گشت، آزادیهای بسیاری را به مسیحیان عثمانی داد و بر برابری مسیحیان و مسلمانان پافشاری کرد، هر چند که به گفته کتاب برخی آزادیهای مسیحیان در گرو موافقت سلطان عثمانی بود. در محور «رابطه فرقه‌های مسیحی با یکدیگر» به درگیریهای میان کلیساهای مسیحی قدس بر سر پیوستن پیروان یک کلیسا به کلیسای دیگر و کشمکشهای فرقه‌های مختلف در مورد حق تقدم ورود به کلیساهای مهم و شیوه برپایی و نظارت بر آیینهای دینی پرداخته شده، و نحوه برخورد دولت عثمانی با این درگیریها مورد بررسی قرار گرفته است. از مهم‌ترین نکاتی که در این بخش از فصل واپسین به آن اشاره شده، نقش رشوه‌ها و حق و حسابهایی است که از سوی برخی کلیساهای به دولتمردان عثمانی داده می‌شده و آنان را به گرفتن تصمیمات ضد و نقیض در خصوص مسیحیان وا می‌داشته است. در محور «رابطه میان مسیحیان و مسلمانان» نویسنده فراز و فرود روابط میان مسیحیان و مسلمانان در بیت المقدس را بررسی کرده، و به این نتیجه رسیده است که «آسان گیری، هم‌زیستی و همکاری» ویژگی برجسته رابطه مسلمانان و

مسیحیان از آغاز قرن نوزدهم بوده که در پی ورود فرانسویان در سال ۱۷۹۹ به سرزمین شامات آغاز شده است. رابطه میان مسلمانان و مسیحیان از سال ۱۸۲۱ در پی شورش «الموره» رو به تیرگی می‌نهد. در این سال - به گفته کتاب - مسلمانان به دیرهای مسیحیان و محل اقامت پاتریاک ارتودوکس در قدس، بیت جالا و عین کارم پورش می‌برند. با آغاز حکومت محمد علی پاشا بر شامات، روابط مسلمانان و مسیحیان به حالت عادی باز می‌گردد تا اینکه در پی آشوب سال ۱۸۶۰ در دمشق و لبنان این روابط دوباره تیره می‌شود.

نویسنده در پایان پژوهش، وجود فرقه‌های مختلف مسیحی در شهر قدس، جایگاه ویژه اقتصادی، سیاسی و دینی فرقه ارتدوکس یونانی، سنگ اندازی نکردن دولت عثمانی در برابر مسیحیان، تحقق برابری نسبی میان مسلمانان و مسیحیان در زمان حکومت مصریان بر شامات، نقش مسیحیان در حیات اقتصادی و سیاسی دولت عثمانی، آزادی مسیحیان، کشمکش میان فرقه‌های مختلف مسیحی و روابط نسبتاً دوستانه میان مسیحیان و مسلمانان را مهم‌ترین نتایج پژوهش خود برشمرده است. نویسنده کار خود را در این کتاب با آوردن نشش پیوست به پایان برده است. در پیوست یکم نام همه کشیشان فرقه‌های گوناگون

مسیحی قدس و پست مورد تصدی آنها آمده است. پیوست دوم «شمار افراد خانوار مسیحیان قدس» نام دارد و در آن نویسنده نام درگذشتگان مسیحی قدس به اضافه شمار زنان و فرزندان و روی هم رفته تعداد افراد خانواده‌شان را برمی‌شمرد. پیوستهای زمینهای تحت مالکیت مسیحیان قدس، رهن، وامهاو خرید و فروش املاک پیوستهای دیگر کتاب هستند. سیاهه جدولهای به کاررفته در کتاب و نام نامه دو ضمیمه دیگر کتاب قدس در بایگانیهای عثمانی هستند. در مجموع، می‌توان گفت دکتر ابراهیم القضاة و مرکز پژوهشهای وحدت عربی با انتشار کتاب معرفی شده در این نوشتار، گوهر گران بهایی را به گنجینه قدس شناسی جهان تقدیم کرده‌اند.